

درس اول

تاریخ ادبیات

<p>در روستای باژ در منطقه توس خراسان به دنیا آمد. از نجیب‌زادگان و دهقانان توس بود. او مردی شیعه مذهب بود و دلبستگی‌اش به میراث قوی و فرهنگی ایران کهن مانع از ارادت خالصانه او به خاندان پیامبر (ص) نشد. فردوسی ۲۵ یا ۳۰ سال برای سرودن شاهنامه رنج کشید و در حالی که نزدیک به ۸۰ سال داشت به سال (۴۱۱ هـ. ق) درگذشت و در زادگاه خود به خاک سپرده شد. فردوسی در پاسداشت زبان فارسی نقش بسیار برجسته‌ای دارد.</p>	فردوسی
<p>ابوالمجد مجدود بن آدم (ولادت اواسط یا اوایل نیمه دوم قرن ۵) شاعر و عارف معروف ایرانی در قرن ششم است. در آغاز شاعری مداح بود؛ ولی تغییر حال داد و به عرفان روی آورد. وی دوستدار آل علی (ع) بود. از آثار او می‌توان به «حدیقه الحقیقه»، «سیرالعباد الی المعاد» و «کارنامه بلخ» اشاره کرد.</p>	سنایی غزنوی
<p>مشرف‌الدین مصلح بن عبدالله شیرازی (۶۹۰-۶۰۶ هـ. ق) شاعر و نویسنده بزرگ قرن هفتم است. سعدی در شیراز به کسب علم پرداخت و سپس به بغداد رفت و در مدرسه نظامیه به تحصیل مشغول شد. در سال ۶۵۵ هـ. ق بوستان را به نظم درآورد و در سال بعد (۶۵۶)، گلستان را به نظم و نثر تألیف کرد. علاوه بر این‌ها قصاید و غزلیات، قطعات و ترجیع‌بند، رباعیات، مقالات و قصاید عربی دارد که همه را در «کلیات» وی جمع کرده‌اند.</p>	سعدی
<p>اسرارالتوحید فی مقامات شیخ ابوسعید کتابی است در احوال شیخ ابوسعید ابی‌الخیر که محمدبن منور (یکی از نوادگان وی) آن را نگاشته است.</p>	اسرارالتوحید

واژگان

<p>به نام خداوند جان و خرد</p> <p>روزی ده: روزی دهنده</p> <p>کیوان: سیاره زحل</p> <p>سپهر: آسمان، فلک، چرخ</p> <p>فروزنده: روشن کننده</p> <p>ناهِید: ستاره زهره</p> <p>مهر: خورشید (در معنای دیگر محبت)</p> <p>بیننده: چشم، کسی که می‌بیند. در شعر فردوسی مقصود از «بینندگان»، دو چشم یا چشمان است.</p> <p>ستودن: ستایش کردن</p> <p>بندگی: اطاعت، فرمانبرداری</p> <p>برنا: جوان</p> <p>آفرینش همه تنبیه خداوند دل است</p> <p>لیل و نهار: شب و روز</p>	<p>تنبیه: هوشیار کردن، آگاه ساختن کسی</p> <p>بر کاری</p> <p>خداوند: صاحب (خداوند دل: صاحب‌دل، انسان عارف)</p> <p>اقرار: اعتراف کردن</p> <p>عجب: عجیب، شگفت</p> <p>فکرت: فکر، اندیشه</p> <p>تسبیح: خدا را به پاکی یاد کردن، نیایش کردن</p> <p>مستمع: شنونده</p> <p>اسرار: ج سر، رازها</p> <p>مرغان: پرندگان</p> <p>آخر: دیگر</p> <p>خفته: خوابیده، به خواب رفته، غافل و بی‌خبر</p> <p>جهالت: نادانی</p>	<p>آخر: پایان</p> <p>بنفشه: گیاهی است کوتاه با ساقه‌های باریک به رنگ‌های زرد، بنفش و سفید (در این درس نماد غفلت، غمگینی و سرافکنندگی است)</p> <p>نرگس: نام گلی خوش‌بو به رنگ زرد یا بنفش (در این درس نماد آگاهی و بینایی است)</p> <p>غفلت: ناآگاهی</p> <p>الوان: ج لون، رنگ‌ها</p> <p>زرین: طلایی</p> <p>عنب: انگور</p> <p>عاجز: درمانده، ناتوان</p> <p>حقه: جعبه، ظرفی کوچک که در آن جواهر یا چیزهای دیگر نگهداری می‌شود.</p> <p>یاقوت: از سنگ‌های معدنی گران‌بها به رنگ‌های سرخ، زرد، کبود</p>
--	--	--

تقدیر* : فرمان خدا، قسمت و سرنوشتی که خداوند برای بندگان خود معین فرموده است.	راست رو* : مخالف کج‌رو، درستکار، کسی که از راه راست، خارج نمی‌شود.	حکایت «سفر»
مسخر* : رام و مطیع	سعادت: خوش‌بختی، نیک‌بختی	پیر* : مرشد، راهنما
انعام* : بخشش، نعمت دادن (با واژهٔ انعام به معنی چهارپایان اشتباه نگیرید)	گوی: توپ کوچک	افسار: تسمه و ریسمانی که به سر و گردن الاغ و اسب می‌بندند.
	گوی بردن: سبقت گرفتن، پیشی جستن (کنایه)	درنگ: توقف، کندی، آهستگی
	منزل: خانه، مقصود و هدف	معرفت* : شناخت، علم
	کج رفتار* : کسی که رفتاری نادرست دارد.	

دانش‌آموزان عزیز: برای یادگیری آرایه‌های ادبی، اصطلاحات و قالب‌های شعری به ضمیمهٔ (۱) و (۲) در پایان این کتاب و برای آشنایی با ساختمان واژه (ساده، وندی و مرکب) به درس شانزدهم مراجعه نمایید.

معنی و مفهوم درس

ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی / نروم جز به همان ره که توام راه‌نمایی

خدایا، من فقط ذکر تو را می‌گویم زیرا تو پاک و سزاوار خدایی هستی و در راهی قدم می‌گذاری که تو آن را به من نشان داده‌ای. **دانش‌های ادبی** «خدایی و راه‌نمایی: قافیه / ره: مخفف راه / ملکا: منادا + حرف ندا و منظور خداوند است / مصراع اول به آیهٔ «الحمد لله رب العالمین» و مصراع دوم به آیهٔ «اهدنا الصراط المستقیم، صراط الذین انعمت علیهم» تلمیح دارد. / بیت ۶ جمله دارد.

به نام خداوند جان و خرد

به نام خداوند جان و خرد / کزین برتر اندیشه برنگذرد

سخنم را با نام خداوندی آغاز می‌کنم که آفرینندهٔ جان و خرد است و اندیشهٔ انسان فراتر از این نمی‌تواند صفتی برای خداوند بیابد. **دانش‌های ادبی** «خدایی و واژگان قافیه / جان، خرد و اندیشه: مراعات نظیر / واج آرایی: «ر» در مصراع دوم

خداوند نام و خداوند جای / خداوند روزی‌ده رهنمای

خداوندی که دارای برترین نام، شهرت و منزلت است. اوست که به انسان روزی می‌دهد و هدایتش می‌کند. **دانش‌های ادبی** «جای و رهنمای: واژگان قافیه / روزی‌ده: روزی‌دهنده صفت فاعلی مرکب مرخم / رهنمای: راهنمایی‌کننده: صفت فاعلی مرکب مرخم / خداوند: تکرار

خداوند کیوان و گردان سپهر / فروزندهٔ ماه و ناهید و مهر

خداوندی که سیارهٔ زحل (افلاک هفت‌گانه) و آسمان در حال حرکت را آفریده است و روشنایی‌بخش ماه و زهره و خورشید است. **دانش‌های ادبی** «سپهر و مهر: واژگان قافیه / کیوان، سپهر، ماه، ناهید و مهر: مراعات نظیر / فروزنده: صفت فاعلی

به بینندگان، آفریننده را / نینیی، مرنجان دو بیننده را

خداوند را با چشم نمی‌توان دید، چشمان خود را در این راه می‌بازار. **دانش‌های ادبی** «آفریننده و بیننده: واژگان قافیه / را: ردیف / دو بیننده: مفعول

نیابد بدو نیز، اندیشه راه / که او برتر از نام و از جایگاه

اندیشه و فکر انسان به ذات خداوندی راهی ندارد، زیرا توانایی انسان در این زمینه محدود است. (فکر و اندیشه نمی‌تواند خداوند را درک کند چرا که او از هستی و از این که مکان مشخصی داشته باشد، برتر است). **دانش‌های ادبی** «راه و جایگاه: واژگان قافیه / بدو: به + او / در بیت سه متمم وجود دارد. / فعل مصراع اول، «راه نیابد» است و فعل مصراع دوم حذف شده است. متمم

ستودن نداند کس او را چو هست / میان بندگی را بیایدت بست

هیچ‌کس خداوند را آن‌چنان که هست نمی‌تواند بستاید، پس باید کمر بندگی و اطاعت ببندی و در عبادت او تلاش کنی. **دانش‌های ادبی** «هست و بست: واژگان قافیه / نداند: نمی‌تواند / میان: کمر / مصراع دوم کنایه از: آمادهٔ خدمت بودن و بندگی کردن / «ت» در بیایدت: ضمیر و نهاد

توانا بود هر که دانا بود / ز دانش دل پیر برنا بود

هر کسی که از علم و دانایی برخوردار است، انسان توانا و نیرومندی است. دانش، انسان پیر و ناتوان را مانند یک جوان، سرزنده و شاداب نگه می‌دارد. **دانش‌های ادبی** «دانا و برنا: قافیه / بود: ردیف / پیر و برنا: تضاد / دانش، دانا، توانا: وندی

(قالب شعر ستایش: مثنوی)

△ _____	△ _____
□ _____	□ _____
○ _____	○ _____

دیده‌های نیست نبیند رخ زیبای تو را نیست گوشی که همی نشنود آوای تو را

هیچ چشمی وجود ندارد که چهره‌ی زیبایی تو را نبیند و هیچ گوشی وجود ندارد که صدای تو را نشنود.

دانش‌های ادبیه «زیبا و آوا: قافیه / تو را: ردیف / دیده، رخ و گوش: مراعات نظیر / گوش و آوا: مراعات نظیر / رخ زیبا: ترکیب وصفی / همی نشنود: مضارع اخباری

آفرینش همه تنبیه خداوند دل است

بامدادی که تفاوت نکنند لیل و نهار خوش بود دامن صحرا و تماشای بهار

صبحی که طول شب و روزش یکسان است (اول بهار) رفتن به صحرا و تماشای بهار لذت‌بخش است.

دانش‌های ادبیه «لیل و نهار: تضاد / نهار و بهار: جناس ناقص اختلافی / در اول بهار و اول پاییز طول روز و شب یکسان است و به آن «اعتدالین» می‌گویند. واژه نهار در مصراع اول با همه مصراع‌های دوم (بهار، اقرار و...) هم‌قافیه است. / بیت ۲ جمله دارد.

آفرینش همه تنبیه خداوند دل است دل، ندارد که ندارد به خداوند اقرار

تمام پدیده‌های آفرینش برای آگاه کردن انسان عارف و صاحب‌دل است و کسی که با دیدن این همه پدیده به وجود خداوند اعتراف نمی‌کند، ذوق و احساسی ندارد.

دانش‌های ادبیه «واج آرایی: «د» / آفرینش: وندی: آفرین + ش / «که» در مصراع دوم به معنای «کسی که» و ضمیر مبهم است / ندارد: آرایه تکرار / بیت ۳ جمله دارد.

این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود هر که فکرت نکنند نقش بود بر دیوار

هر کس با این همه نقش و پدیده‌های عجیب (پدیده‌های آفرینش) به آفریننده آن‌ها نیندیشد، همانند عکس و تصویر روی دیوار، بی‌روح و بی‌احساس است.

دانش‌های ادبیه «در و دیوار: مراعات نظیر / نقش، دیوار: آرایه تکرار / بیت ۳ جمله دارد.

کوه و دریا و درختان همه در تسبیح‌اند نه همه مستمعی فهم کنند این اسرار

کوه و دریا و درختان (همه موجودات) در حال نیایش خداوند هستند اما هر شنونده‌ای این رازها را درک نمی‌کند.

دانش‌های ادبیه «کوه و دریا و درختان: مراعات نظیر / تلمیح به آیه ۴۴ سوره اسراء / مصراع اول: تشخیص / بیت ۲ جمله دارد.

خبرت هست که مرغان سحر می‌گویند: آخر ای خفته سر از خواب جهالت بردار؟

آیا خبر داری که پرندگان سحری چه می‌گویند؟ می‌گویند دیگر ای انسان غافل، از نادانی و بی‌خبری رها شو.

دانش‌های ادبیه «خواب، سحر، خفته: مراعات نظیر / سحر و سر: جناس ناقص افزایشی / خواب جهالت: اضافه تشبیهی / سر از خواب برداشتن: کنایه از آگاهی و بیداری / «ت» در خبرت: نهاد / بیت ۴ جمله دارد.

تا کی می‌خواهی مانند گل بنفشه در غفلت و ناآگاهی به سر ببری؟ حیف است که تو بی‌خبر و در خواب باشی و گل نرگس آگاه و بیدار باشد.

دانش‌های ادبیه «بنفشه و نرگس: مراعات نظیر / چو بنفشه: تشبیه / سر غفلت در پیش گرفتن: کنایه از بی‌توجهی و غفلت / «ی» در خوابی: به معنی هستی و فعل اسنادی است / نرگس بیدار است: تشخیص / بیت ۴ جمله دارد.

که تواند که دهد میوه الوان از چوب یا که داند که برآرد گل صد برگ از خار؟

هیچ کس جز خداوند نمی‌تواند از چوب درخت، میوه‌های رنگارنگ و از خار، گل‌هایی با گلبرگ‌های فراوان پدید آورد.

دانش‌های ادبیه «گل و خار: مراعات نظیر و تضاد / هر دو مصراع استفهام انکاری است / صد برگ: صفت مرکب / بیت ۴ جمله دارد.

عقل، حیران شود از خوشه زرّین عنب فهم عاجز شود از حقه یاقوت انار

عقل انسان از زیبایی خوشه طلایی انگور شگفت‌زده می‌ماند و فهم انسان از درک زیبایی و ظرافت جعبه یاقوت رنگ انار، ناتوان است.

دانش‌های ادبیه «حیران شدن عقل و عاجز شدن فهم: تشخیص / عنب و انار: مراعات نظیر / حقه یاقوت انار: اضافه تشبیهی (یک بار دانه‌های انار به یاقوت مانند شده و یک بار پوست آن به حقه مانند شده است) / خوشه زرّین: ترکیب وصفی / خوشه عنب، حقه یاقوت، یاقوت انار: ترکیب اضافی / بیت ۲ جمله دارد.

پاک و بی‌عیب خدایی که به تقدیر عزیز ماه و خورشید مسخر کند و لیل و نهار

خداوند پاک و بی‌عیب با فرمان خود، ماه و خورشید و شب و روز را مطیع و رام خود کرد.

دانش‌های ادبیه «لیل و نهار: تضاد و مراعات نظیر / ماه و خورشید: مراعات نظیر / تلمیح به آیه ۱۲ سوره نحل / بیت ۲ جمله دارد.

تایامت سخن اندر کرم و رحمت او همه گویند و یکی گفته نیاید ز هزار

اگر همه مردم تا روز قیامت درباره بخشش و لطف خداوند سخن بگویند، باز هم یکی از هزاران لطف و رحمت خداوند گفته نمی‌شود. **دانش‌های ادبی** «تا» حرف اضافه و قیامت متمم است. / بیت ۲ جمله دارد.

نعمت بار خدایا ز عدد بیرون است شکر انعام تو هرگز نکند شکر گزار

خداوندا، نعمت‌هایت قابل شمارش نیست و هیچ انسان شکرگزاری نمی‌تواند شکر نعمت‌های بی‌پایانت را بهجا آورد. (قدردان نعمت‌های تو باشد) **دانش‌های ادبی** «نعمت، شکر، انعام، شکرگزار: مراعات‌نظیر / ز عدد بیرون است: کنایه از قابل شمارش نبودن / «ت» در نعمت: مضاف‌الیه / هرگز: قید / بیت ۳ جمله دارد.

سعدیا راست روان، گوی سعادت بردند راستی کن که به منزل نرسد کج رفتار

ای سعدی، انسان‌های درستکار به سعادت و خوش‌بختی می‌رسند، پس تو هم انسانی درستکار باش، زیرا انسان‌های کج‌رفتار و نادرست به هدف خود نمی‌رسند. **دانش‌های ادبی** «گوی سعادت: اضافه تشبیهی / گوی سعادت بردن: کنایه از به سعادت و خوش‌بختی رسیدن / سعدیا: منادا و تخلص (نام شعری شاعر) / راست‌روان: مرکب / کج رفتار: وندی - مرکب / راست و کج: تضاد / بیت ۴ جمله دارد.

قالب شعر آفرینش همه تنبیه خداوند دل است: قصیده

△ _____	△ _____
△ _____	_____
△ _____	_____

حکایت «سفر»

می‌گوید: معرفت این است که من در آنم. گردِ خویش می‌گردم و پیوسته در خود سفر می‌کنم، تا هر چه نیاید، از خود دور گردانم! می‌گوید: شناخت و معرفت در همین آسیابی است که من در آن هستم. دور خودم می‌چرخم و در وجود خودم سفر می‌کنم تا هر چیزی که نباید درون من باشد، از خود دور کنم. (زشتی و آلودگی و وابستگی‌های دنیا را از خودم دور کنم). مفهوم: خودشناسی



دانش‌های زبان و ادب

گفتار ۱ هر گاه بخواهیم منظور خود را زیباتر و دلنشین‌تر بیان کنیم، از ادبیات بهره می‌گیریم. به همین دلیل است که ادبیات را زبان هنری یا زبان برتر می‌نامند.

مثال: خورشید طلوع کرد. (زبان)
خورشید به چهره شهر لبخند می‌زند. (ادبیات)

گفتار ۲ تشبیه:

تشبیه یعنی چیزی را به چیزی دیگر مانند و شبیه کردن. هر تشبیه ۴ رکن دارد:

- ۱- مشبّه: چیزی یا کسی است که قصد مانند کردن آن را داریم.
- ۲- مشبّه‌به: چیزی یا کسی است که مشبّه، به آن مانند می‌شود.
- ۳- ادات: واژه‌ای است که نشان‌دهنده پیوند شباهت است.
- ۴- وجه شبه: ویژگی مشترک بین مشبّه و مشبّه‌به است.

مانند: چون، مانند، مثل، چو، همچون، به‌سان، گفتمی، گویی و ...

مثال: زمین مانند فرراهی بزرگ به دور خود می‌چرخد.
مشبّه ادات مشبّه‌به وجه شبه

نوع دیگری از تشبیه، اضافه تشبیهی است. در این نوع تشبیه فقط مشبّه و مشبّه‌به، ذکر می‌شود و معمولاً جای مشبّه و مشبّه‌به عوض می‌شود

مثال: دریای غم (غم به دریا تشبیه شده است).
مشبّه‌به مشبّه

و گاهی اول مشبّه و سپس مشبّه‌به می‌آید. در تشبیه همیشه باید از خودمان پیرسیم چی به چی شبیه شده است:

مثال: لب لعل یا قد سرو
چی به چی
مشبّه مشبّه‌به

مثال: اشکم شود از هر مزه چون سیل روانه
چی به چی شبیه شده: اشک به سیل
مشبّه مشبّه‌به

مشبّه‌به معمولاً پس از ادات تشبیه می‌آید و مهم‌ترین رکن یک تشبیه است.

نکته ۳ تشخیص:

همان جان بخشی یا انسان‌نمایی است. هر گاه چیزی را مثل انسان کنیم؛ یعنی ویژگی‌ها و حالات انسان را به غیر انسان نسبت دهیم، تشخیص ساخته‌ایم.

مثال: عقل حیران شود از خوشه زرّین عنب / فهم عاجز شود از حقه یاقوت انار
در این بیت عقل، مثل انسان دچار حیرت و فهم، مانند انسانی درمانده می‌شود و هر دو تشخیص است.

نکته ۴ مراعات نظیر:

هر گاه چند واژه با هم نسبتی داشته باشند، مراعات نظیر هستند.

مثال: تا کی آخر چو بنفشه سر غفلت در پیش / حیف باشد که تو در خوابی و نرگس بیدار
در این بیت بین بنفشه و نرگس مراعات نظیر است و نسبتشان این است که هر دو، گل هستند. شاعران و نویسندگان برای زیبایی و تأثیرگذاری بیش‌تر از آرایه‌های ادبی در آثار خود بهره می‌گیرند.

نکته ۵ واژه‌شناسی:

گاهی تغییر در حرکت یک واج، موجب تغییر معنای یک واژه می‌گردد. به عنوان نمونه واژه «انعام» به معنی بخشش و واژه «انعام» به معنی چهارپایان است و یا واژه «آخر» به معنی دیگر و واژه «آخر» به معنی پایان است.

واژگان مهم املا به درس اول

برنگردد - گردان سپهر - فروزنده مهر - تنبیه - اقرار - تسبیح - مستمع - اسرار - خواب جهالت - غفلت - میوه الوان - گل و خار - خوشه زرّین عنب - عاجز - حقه یاقوت انار - تقدیر - مسخر - انعام - شکر گزار - معرفت - اسرار التّوحید - محمد بن منور

سوالات امتحانی

معنی واژگان

- ۱ فروزنده ماه و ناهید و مهر
- ۲ نبینی مرنجان دو بیننده را
- ۳ آفرینش همه تنبیه خداوند دل است
- ۴ که تواند که دهد میوه الوان از چوب
- ۵ فهم عاجز شود از حقه یاقوت انار
- ۶ ماه و خورشید مسخر کند و لیل و نهار
- ۷ شکر انعام تو هرگز نکند شکر گزار
- ۸ راستی کن که به منزل نرسد که رفتار
- ۹ تا کی آخر چو بنفشه سر غفلت در پیش

معنی اشعار و عبارات

۱۰. بیه بینندگان، آفریننده را
 ۱۱. ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی
 ۱۲. نیابد بدو نیز، اندیشه راه
 ۱۳. ستودن نداند کس او را چو هست
 ۱۴. کوه و دریا و درختان همه در تسبیح‌اند
 ۱۵. عقل حیران شود از خوشه زین عنب
 ۱۶. نعمت بار خدایا ز عدد بیرون است
 ۱۷. خبرت هست که مرغان سحر می‌گویند
- نیینی، مرنجان دو بیننده را
 نروم جز به همان ره که توام راه‌نمایی
 که او برتر از نام و از جایگاه
 میان بندگی را ببایدت بست
 نه همه مستمعی فهم کنند این اسرار
 فهم عاجز شود از حقه یاقوت انار
 شکر انعام تو هرگز نکند شکرگزار
 آخر ای خفته سر از خواب جهالت بردار

خودارزیایی، گفت‌وگو و نوشتن

۱۸. مفهوم آیه ۴۴ سوره اسراء «آسمان‌های هفتگانه و زمین و هر موجودی که در آن‌هاست، او را می‌ستایند.» با کدام بیت زیر تناسب دارد؟
 (آ) این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود
 (ب) کوه و دریا و درختان همه در تسبیح‌اند
 پیام بیت زیر چیست؟
 سعدیا راست‌روان گوی سعادت بردند
 مترادف واژه‌های زیر را از متن درس بیابید و بنویسید.
 (آ) شگفت (ب) آگاهی
 (ج) انگور (چ) رام
 در بیت‌های زیر از کدام عناصر زیبایی سخن استفاده شده است؟
 (آ) خبرت هست که مرغان سحر می‌گویند:
 (ب) تاکی آخر چو بنفشه سر غفلت در پیش
 هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار
 نه همه مستمعی فهم کنند این اسرار
 راستی کن که به منزل نرسد کج‌رفتار
 متراصف واژه‌های زیر را از متن درس بیابید و بنویسید.
 (آ) شگفت (ب) آگاهی
 (ج) انگور (چ) رام
 در بیت‌های زیر از کدام عناصر زیبایی سخن استفاده شده است؟
 (آ) خبرت هست که مرغان سحر می‌گویند:
 (ب) تاکی آخر چو بنفشه سر غفلت در پیش
 هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار
 نه همه مستمعی فهم کنند این اسرار
 راستی کن که به منزل نرسد کج‌رفتار

ث) نادانی
 د) خوشبختی

ت) شنونده
 خ) مقصد
 پ) ستایش خداوند
 ح) روز

درک مطلب

۲۲. مفهوم کدام بیت به آیه زیر نزدیک‌تر است؟
 «لاتدرکه الابصار و هو یدرک الابصار: چشم‌ها او را در نمی‌یابند و او چشم‌ها را در می‌یابد» (سوره انعام، آیه ۱۰۳)
 (آ) بیه بینندگان آفریننده را
 (ب) ستودن نداند کس او را چو هست
 ۲۳. مفهوم «ما اکثر العبر و اقل الاعتبار» (عبرت‌ها چه بسیارند و عبرت پذیران چه اندک) از کدام بیت درس دریافت می‌شود؟
 ۲۴. جدول زیر را کامل کنید.

معنای واژه	واژگان	معنای واژه
پست و ذلیل	خوار	معنای واژه
	انعام	تبیغ گل
رازها	اصرار	

- ۲۵ در بیت «تاکی آخر چو بنفشه سر غفلت در پیش / حیف باشد که تو در خوابی و نرگس بیدار» به ترتیب «بنفشه» و «نرگس» نماد چه چیزهایی هستند؟
- ۲۶ در مصراع «نعمتت بار خدایا ز عدد بیرون است» مفهوم قسمت مشخص شده چیست؟
- ۲۷ مفهوم هر بیت را از ستون «ب» بیابید.

الف	ب
۱- پاک و بی عیب خدایی که به تقدیر عزیز / ماه و خورشید مسخر کند و لیل و نهار	آ) بی حدّ و اندازه بودن نعمت‌های الهی و ناتوانی انسان در شکرگزاری این نعمت‌ها
۲- نعمتت بار خدایا ز عدد بیرون است / شکر انعام تو هرگز نکند شکرگزار	ب) هر چه درباره رحمت خداوند گفته شود، باز هم کم است.
۳- تا قیامت سخن اندر کرم و رحمت او / همه گویند و یکی گفته نیاید ز هزار	پ) با نگاه به جهان به خداوندی حق اقرار کنیم.
۴- این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود / هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار	ت) توصیف بی نقص بودن آفرینش خداوند
۵- آفرینش همه تنبیه خداوند دل است / دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار	ث) توصیه به تفکر بر جلوه‌های خداوند در جهان و طبیعت

دانش‌های زبانه و ادب

- ۲۸ در میان واژگان زیر، ترکیب‌های وصفی و اضافی را مشخص کنید.
دامن صحرا، تماشای بهار، نقش عجب، مرغان سحر، خواب جهالت، میوه الوان، خوشه زرین، گوی سعادت
- ۲۹ بیت «ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی / نروم جز به همان ره که توام راه‌نمایی» چند جمله است؟
- ۳۰ کدام بیت دارای اضافه تشبیهی است؟
آ) سعدیا راست روان گوی سعادت بردند
ب) که تواند که دهد میوه الوان از چوب
یا که داند که برآرد گل صد برگ از خار
- ۳۱ در کدام بیت سه آرایه «جناس، تضاد و مراعات نظیر» وجود دارد؟
آ) بامدادی که تفاوت نکند لیل و نهار
ب) کوه و دریا و درختان همه در تسبیح‌اند
خوش بود دامن صحرا و تماشای بهار
نه همه مستمعی فهم کنند این اسرار
- ۳۲ «که» در کدام بیت ضمیر است؟
آ) آفرینش همه تنبیه خداوند دل است
ب) خبیرت هست که مرغان سحر می گویند
دل، ندارد که ندارد به خداوند اقرار
آخر ای خفته سر از خواب جهالت بردار
- ۳۳ نهاد، مفعول و فعل را در جمله زیر مشخص کنید.
بساط حق بگستردند.
- ۳۴ آثار سنایی غزنوی را نام ببرید.
- ۳۵ سعدی را در سال ۶۵۵ به نظم درآورد و در سال گلستان را تألیف کرد. مجموعه آثار سعدی نام دارد.
- ۳۶ مفرد الوان، اسرار و مواعظ را بنویسید.

سوالات چهارگزینه‌ای درس

- ۳۷ در کدام گزینه، آرایه مراعات نظیر وجود ندارد؟
- ۱) عقل حیران شود از خوشه زرین عنب
- ۲) تاکی آخر چو بنفشه سر غفلت در پیش
- ۳) آفرینش همه تنبیه خداوند دل است
- ۴) کوه و دریا و درختان همه در تسبیح‌اند
- فهم عاجز شود از حقه یاقوت انار
حیف باشد که تو در خوابی و نرگس بیدار
دل، ندارد که ندارد به خداوند اقرار
نه همه مستمعی فهم کنند این اسرار

۳۸

همهٔ ابیات زیر با هم ارتباط معنایی دارند به جز گزینهٔ

- (۱) از دست و زبان که برآید
 (۲) فضل خدای را که تواند شمار کرد
 (۳) نعمتت بارخدایا ز عدد بیرون است
 (۴) پاک و بی‌عیب خدایی که به تقدیر عزیز
 کز عهدهٔ شکرش بسه در آید
 یا کیست آن که شکر یکی از هزار کرد
 شکر انعام تو هرگز نکند شکرگزار
 ماه و خورشید مسخر کند و لیل و نهار

۳۹

بیت زیر به کدام صفت خداوند اشاره دارد؟

- (۱) رزاق بودن
 (۲) عالم بودن
 (۳) قادر بودن
 (۴) رحیم بودن
 که تواند که دهد میوهٔ السوان از چوب
 یا که داند که برآرد گل صد برگ از خار

۴۰

کدام گزینه با بیت «کوه و دریا و درختان همه در تسبیح‌اند / نه همه مستمعی فهم کنند این اسرار» ارتباط معنایی دارد؟

- (۱) درخت، غنچه برآورد و بلبلان مستند
 (۲) ابر و باد و مه و خورشید و فلک درکارند
 (۳) گفتم این شرط آدمیت نیست
 (۴) به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست
 جهان جوان شد و یاران به عیش بنشستند
 تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری
 مرغ تسبیح‌گوی و ما خاموش
 عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست

۴۱

کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) سیرالعباد الی‌المعاد، اثر سنایی غزنوی است.
 (۲) فردوسی در پاسداشت زبان فارسی، نقش بسیار برجسته‌ای دارد.
 (۳) اسرارالتوحید، کتابی است در احوال محمدبن منور.
 (۴) آثار سعدی را در مجموعه‌ای به نام «کلیات» جمع‌آوری کرده‌اند.

۴۲

در همهٔ گزینه‌ها به جز گزینهٔ واژگان متضاد یافت می‌شود.

- (۱) گفتی به غم بنشین یا از سر جان برخیز
 (۲) بامدادی که تفاوت نکند لیل و نهار
 (۳) سعدیا راست‌روان گوی سعادت بردند
 (۴) نیابد بدو نیز اندیشه راه
 فرمان برمت جاننا بنشینم و برخیزم
 خوش بود دامن صحرا و تماشای بهار
 راستی کن که به منزل نرسد کج رفتار
 که او برتر از نام و از جایگاه

۴۳

در کدام بیت جناس به کار نرفته است؟

- (۱) خبرت هست که مرغان سحر می‌گویند
 (۲) بامدادی که تفاوت نکند لیل و نهار
 (۳) ده روز مهر گردون افسانه است و افسون
 (۴) خداوند کیوان و گردان سپهر
 آخر ای خفته سر از خواب جهالت بردار
 خوش بود دامن صحرا و تماشای بهار
 نیکی به جای یاران، فرصت شمار یارا
 فروزندهٔ ماه و ناهید و مهر

۴۴

همهٔ ابیات دارای آرایهٔ تشخیص هستند مگر گزینهٔ

- (۱) عقل حیران شود از خوشهٔ زرین عنب
 (۲) تا کی آخر چو بنفشه سر غفلت در پیش
 (۳) پاک و بی‌عیب خدایی که به تقدیر عزیز
 (۴) کوه و دریا و درختان همه در تسبیح‌اند
 فهم عاجز شود از حقهٔ یاقوت انار
 حیف باشد که تو در خوابی و نرگس بیدار
 ماه و خورشید، مسخر کند و لیل و نهار
 نه همه مستمعی، فهم کنند این اسرار

۴۵

با توجه به معنی، املائی کدام واژه نادرست است؟

- (۱) اقرار: اعتراف
 (۲) الوان: رنگ‌ها
 (۳) انعام: چهارپایان
 (۴) مصخر: مطیع

۴۶

در بین گروه واژگان زیر چند غلط املائی وجود دارد؟

انعام و بخشش - خاتم پیغامبران - ثنایی غزنوی - طریق گمراهان - اقرار و اعتراف - مستمع اسرار - خواب جهالت - گل و خوار - مسخر و رام - شکرگذاری و سپاس

- (۱) یک
 (۲) دو
 (۳) سه
 (۴) چهار

پاسخ سوالات امتحان

- ۲۹ ملکا، ذکر تو گویم، که تو پاکی و خدایی،
۱ ۲ ۳ ۴
- نروم جز به همان ره، که توام راه‌نمایی
۵ ۶
- ۳۰ (آ) گوی سعادت
- ۳۱ (آ) لیل و نهار: تضاد و مراعات نظیر/ نهار و بهار: جناس
- ۳۲ (آ) به معنای کسی که
- ۳۳ نهاد: محذوف- بساط حق: مفعول- بگستردند: فعل
- ۳۴ حدیقة الحقیقه، سیر العباد الی المعاد و کارنامه بلخ
- ۳۵ بوستان- ۶۵۶- کلیات
- ۳۶ الوان ← لون/ اسرار ← سر/ مواعظ ← موعظه
- ۳۷ گزینه (۳)- در گزینه (۱) عنب و انار، در گزینه (۲)، بنفشه و نرگس و در گزینه (۴)، کوه و دریا و درختان مراعات نظیر دارند.
- ۳۸ گزینه (۴)- مفهوم سه گزینه دیگر، ناتوانی انسان شکرگزار در به جا آوردن شکر و سپاس است.
- ۳۹ گزینه (۳)
- ۴۰ گزینه (۳)- هر دو گزینه در مورد نیایش خداوند توسط موجودات سخن می‌گوید.
- ۴۱ گزینه (۳)- اسرارالتوحید، کتابی است در احوال شیخ ابوسعید ابی‌الخیر
- ۴۲ گزینه (۴)- در گزینه (۱)، بنشین و برخیز، در گزینه (۲)، لیل و نهار و در گزینه (۳) راست‌زوان و کج‌رفتار متضاد هستند.
- ۴۳ گزینه (۴)- در گزینه (۱)، سر و سحر، در گزینه (۲)، نهار و بهار و در گزینه (۳)، یاران و یارا جناس دارند.
- ۴۴ گزینه (۳)
- ۴۵ گزینه (۴)- مسخر
- ۴۶ گزینه (۳)- سنایی - خار- شکرگزاری

- ۹ تا ۱ به بخش معنی واژگان مراجعه کنید.
- ۱۷ تا ۱۰ به بخش معنی درس مراجعه کنید.
- ۱۸ (ب) مفهوم آیه دلالت بر تسبیح آسمان‌های هفت‌گانه و زمین و کسانی که در آن هستند، دارد و با گزینه (ب) تناسب معنایی دارد.
- ۱۹ صادق و راستگو بودن که نتیجه راستی، خوش‌بختی و سعادت است.
- ۲۰ (آ) عجب (ب) تنبیه (پ) تسبیح (ت) مستمع (ث) جهالت (ج) عنب (چ) مسخر (ح) نهار (خ) منزل (د) سعادت
- ۲۱ (آ) خواب، سحر و خفته: مراعات نظیر/ سر و سحر: جناس ناقص افزایشی/ خواب جهالت: اضافه تشبیهی/ سر از خواب برداشتن: کنایه/ مرغان سحر می‌گویند: تشخیص (ب) چو بنفشه: تشبیه/ سر غفلت در پیش گرفتن: کنایه/ نرگس بیدار است: تشخیص/ بنفشه و نرگس: مراعات نظیر/ خواب و بیدار: تضاد
- ۲۲ (آ) مفهوم بیت و آیه: خداوند با چشم سر دیدنی نیست.
- ۲۳ با توجه به کلام حضرت علی (ع) که می‌فرماید: «چه بسیارند پندها و عبرتها و چه کم هستند پندپذیران و عبرت‌گیرندگان» با بیت سوم درس «این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود / هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار» پیوند معنایی دارد.
- ۲۴ پست و ذلیل: خوار/ تیغ گل: خارا/ انعام: بخشش، نعمت دادن/ انعام: چهارپایان/ آسرا: رازها/ اصرار: پافشاری کردن
- ۲۵ بنفشه: نماد غفلت، غمگینی و سرافکنده‌گی/ نرگس: نماد آگاهی و بینایی
- ۲۶ قابل شمارش نیست، از شمارش بیرون است.
- ۲۷ ۱- (ت) / ۲- (آ) / ۳- (ب) / ۴- (ث) / ۵- (پ)
- ۲۸ ترکیب وصفی: نقش عجب- میوه الوان- خوشه زرین ترکیب اضافی: دامن صحرا- تماشای بهار- مرغان سحر- خواب جهالت- گوی سعادت

آرایه‌های ادبی دوره اول متوسطه در یک نگاه

۱- تشخیص:

نسبت دادن اعمال و رفتار انسانی به غیر انسان را تشخیص می‌گویند.

مثال: ابر از شوق که می‌خندد بدین‌سان قاه‌قاه ← عمل خندیدن که رفتاری انسانی است به ابر نسبت داده شده است.

۲- واج‌آرایی (نغمه حروف):

هرگاه یک حرف یا حرکت چندین بار در نوشته‌ای بیاید. (تکرار یک واج صامت یا مصوت)

مثال: جان بی‌جمال جانان، میل جهان ندارد ← تکرار حروف ج، ا، ن

۳- تضاد (طباق):

هرگاه دو کلمه از نظر معنی، مخالف هم باشند.

مثال: شاه و گدا به دیده دریا دلان یکی است / پوشیده است پست و بلند زمین در آب

شاه و گدا، پست و بلند: تضاد

۴- مراعات نظیر (شبکه معنایی):

هرگاه دو یا چند کلمه در بیت یا نوشته‌ای بیایند و نسبتی با هم داشته باشند. این نسبت می‌تواند از نظر جنس، مکان، زمان و ... باشد.

مثال: ارغوان جام عقیقی به سمن خواهد داد چشم نرگس به شقایق نگران خواهد شد

ارغوان، سمن (یاسمن)، نرگس، شقایق ← مراعات نظیر (همگی نام گل هستند)

۵- تشبیه:

مانند کردن یک چیز به چیزی دیگر است. هر تشبیه دارای ۴ رکن است:

۱- مشبّه: کلمه‌ای است که قصد تشبیه کردن آن را داریم. ۲- مشبّه‌به: همان چیزی است که مشبّه به آن تشبیه می‌شود. ۳- ادات:

کلمه‌ای است که مشبّه و مشبّه‌به را به هم پیوند می‌دهد. (مثل: همچون، چون، جو، مانند، بسان و ...) ۴- وجه شبه: ویژگی یا ویژگی‌های

مشترک میان مشبّه و مشبّه‌به است.

مثال ۱: مادر همانند آب، پاک و زلال است.

مشبّه ادات مشبّه‌به وجه شبه

مثال ۲: دانا چو طبله عطار است؛ خاموش و هنرنمای

مشبّه ادات مشبّه‌به وجه شبه

۶- اضافه تشبیهی:

گونه‌ای از تشبیه است. این نوع تشبیه در واقع به شکل یک ترکیب اضافی می‌آید یعنی: (_____ + _____)

در اضافه تشبیهی فقط مشبّه و مشبّه‌به می‌آید و معمولاً جای آن در ترکیب اضافی عوض می‌شود.

یعنی ابتدا مشبّه‌به و سپس مشبّه می‌آید. برای یافتن مشبّه‌به باید به این نکته توجه داشت که معمولاً مشبّه‌به، یک چیز دیدنی یا ملموس

است.

مثال: دفتر عشق: عشق به دفتر شبیه شده است، دریای علم، نور اندیشه
مشبّه‌به مشبّه ادات مشبّه‌به مشبّه

گاهی اول مشبّه و سپس مشبّه‌به می‌آید: مانند قد سرو
مشبّه مشبّه‌به

۷- کنایه:

در لغت به معنی پوشیده سخن گفتن است و هرگاه عبارتی در دو معنای دور و نزدیک به ذهن به کار رود و مقصود ما معنای دور باشد به

آن کنایه می‌گویند. بسیاری از ضرب‌المثل‌ها به نوعی کنایه‌اند.

مثال ۱: فلانی دهانش بوی شیر می‌دهد: کنایه از کودک بودن

مثال ۲: آب‌غوره نگیر: کنایه از گریه کردن

مثال ۳: از کوره در رفتن: کنایه از عصبانی شدن

۸- مبالغه (اغراق):

اگر هنگام توصیف کسی یا چیزی زیاده‌روی کنیم و آن را بسیار بزرگ‌تر از آنچه هست بیان کنیم به آن مبالغه می‌گوییم. مبالغه یعنی بزرگ‌نمایی کردن.

مثال ۱: شود کوه آهن چو دریای آب اگر بشنود نام افراسیاب (اغراق در توصیف افراسیاب)

مثال ۲: به مرگ سیاوش سیه پوشد آب کند زار نفرین بر افراسیاب (اغراق در ماتم سیاوش)

۹- سجع:

در لغت به معنای آواز کبوتر است و در اصطلاح ادبی به واژه‌های پایانی دو یا چند جمله می‌گویند که در حرف و حرکت آخر مشترک باشند. سجع مانند قافیه در شعر است. به نثری که در آن سجع به کار رفته است، نثر مسجع می‌گویند.

مثال ۱: آن‌چه را نباید، دل‌بستگی نشاید ← نباید و نشاید

مثال ۲: حضرتش بخشنده مال است و برآورنده آمال ← مال و آمال

۱۰- تلمیح:

در لغت به معنای «با گوشه چشم اشاره کردن» است و در اصطلاح ادبی آن است که در میانه سخن به آیه، حدیث، داستان، واقعه یا مثل و شعری معروف اشاره کنیم.

مثال: یا رب این آتش که در جان من است سرد کن آن‌سان که کردی بر خلیل

تلمیح دارد به داستان حضرت ابراهیم (ع)

۱۱- جناس:

آوردن دو یا چند کلمه است که دقیقاً یا تقریباً در نوشتار به یک صورت باشند اما معانی آن‌ها متفاوت باشد. جناس بر ۲ نوع است:

۱- جناس تام ۲- جناس ناقص

۱- **جناس تام:** اگر دو کلمه دقیقاً مثل هم باشند ولی معنایشان با هم فرق کند، جناس تام نام دارد.

مثال: بهرام که گور می‌گرفتی همه عمر دیدی که چگونه گور بهرام گرفت

گورفر

قبر، گور

۲- **جناس ناقص:** که خود سه نوع دارد:

۱- **جناس ناقص حرکتی:** اگر دو کلمه فقط در حرکات با هم فرق کنند.

مثال: مکن تا توانی دل خلق ریش وگر می‌کنی می‌کنی بیخ خویش

۲- **جناس ناقص اختلافی:** اگر دو کلمه فقط در یک حرف با هم فرق کنند.

مثال: دینار نمی‌خواهم من عاشق دیدارم اغیار نمی‌جویم من شیفته یارم

۳- **جناس ناقص افزایشی:** اگر یکی از دو کلمه فقط یک حرف از دیگری بیشتر داشته باشد.

مثال: گر تو به مدارا کنی آهنگ بیابی بهتر بسی از ملکوت دارا به مدارا

۱۲- تضمین:

آوردن مصراع یا بیتی از شاعری دیگر در شعر خود و یا آوردن آیه یا حدیثی در میان سخن و کلام را تضمین می‌گویند.

مثال:

چه خوش گفت فردوسی پاکزاد که رحمت بر آن تربت پاک باد

«میازار موری که دانه‌کش است که جان دارد و جان شیرین خوش است»

بیت دوم را سعدی در میان شعر خود از فردوسی آورده است.

۱۳- تکرار:

اگر دو یا چند واژه را که از نظر ظاهر و معنی کاملاً یکسان است در شعر یا نوشته به کار ببریم به آن تکرار می‌گویند.

مثال: گل، آن جهانی است نگنجد در این جهان در عالم خیال چه گنجد خیال گل

اصطلاحات ادبی

بیت: به هر دو مصراع یک بیت می‌گویند.

مصراع: کوچک‌ترین سخن موزون را یک مصراع می‌گویند. در واقع مصراع نیمی از یک بیت است.

مثال:

ای نام تو بهترین سرآغاز مصراع
بی نام تو نامه کی کنم باز مصراع

قافیه: به کلماتی می‌گویند که در پایان مصراع‌ها می‌آیند و حروف و حرکت پایانی آن‌ها یکی است. وجود قافیه در شعر اجباری است.

مثال:

بلندی از آن یافت کاو پست شد قافیه ردیف
در نیستی کوفت تا هست شد قافیه ردیف

ردیف: در صورتی که یک یا چند کلمه عیناً در آخر هر بیت و پس از قافیه تکرار شده باشد ردیف نام دارد.

مثال:

هم مرگ بر جهان شما نیز بگذرد قافیه ردیف
هم رونق زمان شما نیز بگذرد قافیه ردیف

تخلص: نام و شهرت شعری شاعر را تخلص می‌گویند.

مثال:

حافظا در کنج فقر و خلوت شب‌های تار
تا بود وردت دعا و درس قرآن غم مخور

منظوم: هر سخنی که به صورت شعر سروده شود.

منثور: هر سخنی که به صورت نثر و نوشته بیاید و یا هر سخنی که به صورت شعر نباشد.

قالب‌های شعری

۱- قصیده: شعری است که مصراع اول بیت اول آن با تمام مصراع‌های زوج هم‌قافیه باشد.

△ _____ △ _____
△ _____ _____
△ _____ _____

تعداد ابیات قصیده بین ۱۵ تا ۷۰-۸۰ بیت است. موضوع قصیده: ستایش، نکوهش، وصف طبیعت، بیان نکات اخلاقی و ... است.

۲- غزل: در شکل ظاهری و جای قرار گرفتن قافیه شبیه قصیده است.

△ _____ △ _____
△ _____ _____
△ _____ _____

اما در تعداد ابیات و موضوع با قصیده تفاوت دارد. تعداد ابیات غزل بین ۵ تا ۱۳-۱۴ بیت است.

موضوع غزل: عشق، عرفان، گفت‌وگو از ایام جوانی

۳- مثنوی: شعری است که هر بیت آن قافیه‌ای جداگانه دارد.

△ _____ △ _____
□ _____ □ _____
○ _____ ○ _____

در سرودن مثنوی هیچ‌گاه با کمبود قافیه روبه‌رو نیستیم، به همین خاطر مناسب‌ترین قالب برای بیان داستان‌های منظوم است. موضوع مثنوی: حماسی و تاریخی مثل شاهنامه فردوسی، اخلاقی و تعلیمی مثل بوستان سعدی، عاشقانه و بزمی مثل خسرو و شیرین نظامی و عارفانه مثل مثنوی مولوی

۴- قطعه: شعری است که مصراع‌های دوم آن با هم، هم‌قافیه هستند.

△ _____	_____
△ _____	_____
△ _____	_____

موضوع قطعه: مطالب اخلاقی و تعلیمی، بند و نصیحت

۵- چهارپاره (دوبیتی نو): قالب شعری است که ترکیبی است از چند قسمت دوبیتی که هر دو بیت قافیه‌ای جداگانه دارند.

△ _____	_____	
△ _____	_____	
	*	_____
□ _____		_____
□ _____		_____
	*	_____
○ _____		_____
○ _____		_____

موضوع چهارپاره بیشتر مسایل اجتماعی است.

۶- دوبیتی: به شعری گفته می‌شود که چهار مصراع دارد و معمولاً قافیه مصراع اول، دوم و چهارم آن یکی است.

△ _____	△ _____
△ _____	_____

البته گاهی مصراع سوم هم‌قافیه دارد.

۷- رباعی: شکل قرار گرفتن قافیه همانند دوبیتی است.

راه تشخیص دوبیتی از رباعی: کافی است کلمه اول مصراع اول را همانند دوره ابتدایی بخش بخش کنیم.

اگر بتوانیم صدای بخش اول آن را با یک حرف نشان دهیم، دوبیتی است و اگر با دو حرف نشان دهیم رباعی است.

مثال: ز دست دیده و دل هر دو فریاد ← ز ← دوبیتی

کفر چو منی گزاف و آسان نبود ← کُف ← ر ← رباعی

۸- شعر نو (نیهای): شعری است که طول مصراع‌های آن یکسان نیست (کوتاه و بلند است) و قافیه در آن جای مشخصی ندارد.

موضوع شعر نیمایی عشق، سیاست، اجتماع و ... است.

△ _____

△ _____

آزمون نوبت اول

ردیف	سؤالات	نمره
	<p>الف) معنی واژگان</p> <p>معنی واژگان مشخص شده را بنویسید.</p> <p>۱ آفرینش همه <u>تنبیه</u> خداوند دل است.</p> <p>۲ شکر <u>انعام</u> تو هرگز نکند شکرگزار</p> <p>۳ <u>قندیل</u> های وی ستارگان هستند.</p> <p>۴ <u>متاع</u> جوانی به بازار نیست.</p> <p>۵ چه بسیارند کسانی که <u>لاف</u> دوستی می‌زنند.</p> <p>۶ از گفتار <u>فیره</u> پرهیز کن.</p> <p>۷ کلبه <u>امزان</u> شود روزی گلستان غم مخور</p> <p>۸ حافظ از همه <u>تباهی</u> ها جسورانه انتقاد می‌کند.</p>	۲
	<p>ب) معنی ابیات و عبارات</p> <p>معنی ابیات و عبارات زیر را بنویسید.</p> <p>۹ هان مشو نومید چون واقف نه‌ای از سرّ غیب / باشد اندر پرده بازی‌های پنهان غم مخور</p> <p>۱۰ در محاوراتی که میان دو کس رود، خوض ننماید و اگر پوشیده دارند، استراق سمع نکند.</p> <p>۱۱ چنان که گفته‌اند: بزرگی، خرد و دانش راست نه گوهر را.</p> <p>۱۲ هر که با بدان بنشیند، اگر نیز طبیعت ایشان در او اثر نکند، به طریقت ایشان متهم گردد.</p> <p>۱۳ به چشم بصیرت به خود در نگر / تو را تا در آینه زنگار نیست.</p> <p>۱۴ راستی کن که به منزل نرسد کج رفتار</p> <p>۱۵ به بینندگان آفریننده را / نبینی، مرنجان دو بیننده را</p>	۶
	<p>پ) خودارزیابی، گفت‌وگو، نوشتن</p> <p>۱۶ در بیت زیر از کدام عنصر زیبایی سخن استفاده شده است؟ (۲ مورد)</p> <p>خبرت هست که مرغان سحر می‌گویند آخر ای خفته سر از خواب جهالت بردار</p> <p>۱۷ در گروه اسمی مشخص شده، هسته، وابسته و نوع وابسته‌ها را مشخص کنید.</p> <p>در همین دوران دفاع مقدّس، ایرانیان همه برای وطن، تن را سپر کرده‌اند.</p> <p>۱۸ بیت زیر، کدام ضرب‌المثل را به یاد می‌آورد؟</p> <p>همی دانه و خوشه خروار شد ز آغاز هر خوشه خروار نیست</p> <p>۱۹ فعل‌های حال را مشخص کنید و نوع آن‌ها را بنویسید.</p> <p>اینک دارم برای شما می‌نویسم، شاید بخوانید.</p> <p>۲۰ با ذکر دلیل، گونه پرسش زیر را مشخص کنید.</p> <p>که تواند که دهد میوه الوان از چوب؟ یا که داند که برآرد گل صد برگ از خار؟</p> <p>۲۱ از بین واژگان زیر، آن‌هایی را که نشانه جمع دارند، مشخص کنید.</p> <p>کنعان - گلستان - احزان - پیروان - آزادگان - پایان</p> <p>۲۲ واژگان متضاد را در بیت زیر مشخص کنید.</p> <p>گر تکبر می‌کنی با خواجهگان سفله کن ور تواضع می‌کنی، با مردم درویش کن</p>	۳

آزمون نوبت دوم

ردیف	سؤالات	نمره
۱ تا ۸	<p>(الف) معنی واژگان</p> <p>معنی واژگان مشخص شده را بنویسید.</p> <p>۱ ساعت وداع فرا رسید، <u>آوِغ</u> که من خواهم گریست.</p> <p>۲ زیاده به خودت <u>عَرِه</u> نشوی.</p> <p>۳ با <u>مِتَانَت</u> جواب گفت.</p> <p>۴ خاموش مباش زیر این <u>فِرَقَه</u></p> <p>۵ بگو نمی دانم تا از <u>پيامدها</u>ی ناگوار آن در امان بمانی.</p> <p>۶ از گوشه <u>صومعه</u> آواز درآمد.</p> <p>۷ یکی از کارداناں را از عملی شریف <u>عزل کرد</u>.</p> <p>۸ در تن رنجورش (<u>مقی</u>) باقی نمانده بود.</p>	۲
۹ تا ۱۸	<p>(ب) معنی ابیات و عبارات</p> <p>معنی ابیات و عبارات زیر را بنویسید.</p> <p>۹ کریمایا، به رزق تو پرورده ایم / به انعام و لطف تو خو کرده ایم</p> <p>۱۰ در لذت های دنیا و معاصی حق تعالی فرو می رود.</p> <p>۱۱ گلزار، ز عیش لاله باران شد / سلطان زمین و آسمان آمد</p> <p>۱۲ در میان رعایا چنان حقیر می نمود که وقتی خادمی به وی رسید، گفت: این توبره کاه را بردار.</p> <p>۱۳ ابلیس زهره ندارد که گرد او گردد.</p> <p>۱۴ غم مخور فردا جاهیت خواهد بود، چنان که مقریان آسمان به تو نازند.</p> <p>۱۵ نه مرد به عمل بزرگ و شریف گردد، بلکه عمل به مرد، بزرگ و شریف گردد.</p> <p>۱۶ گر بماند دشمن از هر سو / خانه هاماں تنگ خواهد شد</p> <p>۱۷ در تن رنجورش رمقی باقی نمانده بود و کم کم شمع وجودش به خاموشی می گرایید.</p> <p>۱۸ چو خواهی که نامت بود جاودان / مکن نام نیک بزرگان، نهان</p>	۶
۱۹ تا ۲۲	<p>(پ) خودارزیابی، گفت و گو، نوشتن</p> <p>۱۹ برای هر واژه، یک هم خانواده بنویسید.</p> <p>(۱) غره: (۲) اعتراض:</p> <p>۲۰ ساخت هر واژه را مشخص کنید.</p> <p>(۱) هواپیما: (۲) پرنده:</p> <p>۲۱ قیدهای جملات زیر را مشخص کنید و نوع آن ها را بنویسید.</p> <p>(۱) محمد چرا دیروز غایب بود؟</p> <p>(۲) همایون دوباره برنده شد.</p> <p>(۳) تو هم شایسته سخن بگو</p> <p>۲۲ از مصدر خواندن پاسخ دهید.</p> <p>(۱) گذشته بعید، دوم شخص مفرد: (۲) گذشته التزامی، سوم شخص مفرد:</p> <p>(۳) گذشته مستمر، اول شخص جمع: (۴) حال اخباری، دوم شخص جمع:</p>	۳